

دکتر محمدعلی حکمت

استاد حقوق بین الملل

عبدالرحیم ذاکر حسین

استادیار دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدعلی حکمت جزو نخستین گروه دانشجویان اعزامی به خارج از کشور جهت گذراندن و تکمیل تحصیلات عالی بود که به فرانسه اعزام شد و پایان‌نامه‌ی خود را در مورد «روابط ایران و عثمانی» بنگاشت.

در بازگشت به میهن شغل شریف، والا و معنوی استادی دانشگاه را برگزید و هم‌زمان با آن به دعوت وزارت امور خارجه، مشاور حقوقی و سیاسی آن وزارت گردید. در این سمت مقالات ارزنده‌ی پُرشمار بنگاشت که از وی به یادگار مانده است.

دکتر حکمت، پس از جنگ جهانی دوم که کوشش‌هایی برای استقرار صلح در جهان به عمل می‌آمد، عضو «جمعیت ایرانی هواداران صلح جهانی» که بزرگان ادب و سیاست کشور هم‌چون علامه دهخدا، دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی، محمدتقی بهار، ملک‌الشعرا، دکتر سیدعلی شایگان در آن عضویت داشتند، شد و با آن افکار هم‌داستان بود.

به نظر می‌رسد نخستین نوشته‌ی خود را تحت عنوان: «از حقوق خود دفاع کنیم - حقوق عام ملل» عرضه کرد. استاد دکتر حکمت شخصیت علمی و وطن‌پرستی متعالی داشت.

نظر به این‌که به زبان‌های زنده مثل فرانسه، انگلیسی، روسی و هم عربی تسلط داشت، به منابع زبان‌های مذکور دستیابی داشت و تازه‌ترین آرا و نظریات حقوقدانان بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌داد.

به فرهنگ ایران دلبستگی فراوان داشت. در کنفرانس‌های بین‌المللی مربوط به کشورمان شرکت فعال داشت. استاد شخصیتی والا و همتی بلند و سری پُرشور داشت، اراده و استقامت او، تلاش و امیدواری او کم‌نظیر بود. اعتقاد راسخ داشت که جوانان دانشجوی باید فرهنگ وطن را بویژه تاریخ آن را به‌گونه‌ی شایسته فرابگیرند تا به‌خاطر بیاورند که سن (عمر پُراج) ایران چندین ده قرن پیش‌تر از بعضی ممالک دیگر است که عمر کشورمان از یکی دو قرن و حتی هم کم‌تر است. در مقام مقایسه با دیگر کشورها، خدمات ایران به اسلام را

«من علمنی حرفا فقد سیرنی عبدا» علی «ع»
علم به قیمت ز گهر بیش‌تر قدر معلم ز پدر بیش‌تر
از پدر گر قالب تن یافتی از معلم جان شیرین یافتی

یادداشت سردبیر

زنده‌یاد دکتر محمدعلی حکمت در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به ما «حقوق بین‌الملل عمومی» می‌آموخت. در آن اوان (۴۶-۱۳۴۵)، مشغول ترجمه‌ی کتاب حقوق بین‌الملل شارل روسو بود و همان متن ترجمه شده را به ما به صورت جزوه املاء می‌کرد. اما در ضمن تدریس، سخنان پخته و سخته می‌گفت. از جمله از اوضاع سیاسی و فرهنگی ایران و جهان انتقاد می‌کرد. به امریکا بد می‌گفت و امریکا و امریکایی را تخطئه بلکه مسخره می‌کرد. از جمله مسخره می‌کرد که در ایران واژه‌ی امریکا علی‌الطلاق به اتازونی / ایالت متحده‌ی امریکا / یو. اس. ای. اطلاق می‌شود، در حالی که امریکا نام قاره‌ی بزرگ است و عمر اتازونی (در آن زمان) صد و هشتاد سال پیش‌تر نیست. گاهی به اشاره و کنایه و گاهی با صراحت از رژیم شاهنشاهی نقادی می‌کرد. یکی دو سال بعد، حکومت که نظام آموزش عالی را از فرانسوی به امریکایی تغییر می‌داد، این‌گونه استنادی که می‌خواستند استقلال فکری خود را از حاکمیت وقت محفوظ نگه دارند، را در تنگنا قرار می‌داد. لذا استاد حکمت پس از چندی با همسر فرانسوی‌اش ایران را ترک کرد.

□ روان‌شاد دکتر محمدعلی حکمت استاد پیشین «حقوق بین‌الملل عمومی» در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بود. آموزنده‌ی عاشق‌پیشه که به مال و منال و پُست و مقام دنیایی بی‌اعتنا بود، استادی تاثیرگذار بر سرنوشت شاگردانش بود. تمامی عمر گران‌مایه هشتاد و چند ساله و پُربرکت خود را به آموزش و آموزاندن بگذراند.

بیش از ملل و اقوام دیگر می‌دانست. استاد دکتر حکمت نثری روان و به تحولات زبان فارسی - نظم و نثر - دانش کافی داشت. نوشته‌های او فی‌المثل ترجمه و تالیف و تصنیف همه حالتی آهنگین داشت. معتقد بود خط فارسی با رعایت زیر و زبر می‌بایست نوشته شود و آن را بهترین خط‌های عالم می‌دانست. فارسی را زیبا کتابت می‌کرد؛ چنان‌که گویی در این شأن از شئون فرهنگی نیز استاد بود.

گنجینه‌یی از علوم انسانی در سینه داشت

تاریخ ایران با تاریخ جهانی در پیوند است. بر این باور بود تا زمانی که تاریخ مشرق‌زمین توسط صاحب‌نظران خود این منطقه از جهان بازنویسی نشود، درک ناچیزی از تاریخ خود و مملکت خود با ارجاع به منابع دیگران عاید خواهد شد.

مطالعه‌ی کتاب‌های تاریخ ایران مانند **تاریخ بیهقی**، **سیرالملوک** و... را اکیداً توصیه می‌کرد. بر این باور بود برای درک درست حقوق بین‌الملل باید «فقه» را فراگیرند. از فقها با صفت «بزرگوار» یاد می‌کرد.

استاد نثری روان و آهنگین داشت. گاه یک سطر را با کسره گذاشتن زیر تمامی کلمات آن می‌نگاشت. در انتخاب واژه‌ها دقت خاص داشت.

دکتر حکمت سخنوری توانا، معلمی دلسوز، بود و سری پُرشور و دلی پُر امید داشت. در یک کلام دکتر حکمت محبوب‌القلوب دانشجویان بود. وقتی پس از قریب دو ساعت درس، زنگ تفریح نواخته می‌شد دانشجویان بی‌آنکه سر تکان بدهند یا زمزمه‌یی بکنند نگاه‌هایشان هم‌چنان بر این استاد دوخته و گوش‌هایشان به شنیدن فرمایشات... استاد بود.

استاد در کلاس و به مناسبت‌های مختلف نسبت به بعضی موضوعات اظهار نظر می‌کرد که دانشجویان را به آینده‌نگری ایشان شگفت زده می‌ساخت. می‌فرمود در ایران سلسله‌های سلطنتی اغلب توسط یکی از اخلاف هم‌نام بنیانگذار آن سلسله‌ها منقرض شده‌اند. ولی در سلطنت فعلی (پهلوی) به این مرحله نخواهد رسید؛ یعنی ولیعهد کنونی ایران روی پادشاهی را نخواهد دید!

سالی چند برنیامد که دیدیم اظهار نظر استاد به صحت محقق گشت.

استاد می‌فرمود قلمرو جغرافیایی ایران باستانی بسیار وسیع و پهناورتر از حال و شامل بسیاری از سرزمین‌های مجاور فعلی هم بود. من جمله شبه جزیره‌ی عرب در قلمرو جغرافیایی خاک کشور ایران بود و چون اسلام در همان سرزمین ظهور کرد و گسترش یافت، دین اسلام، دین ایرانی‌ست. با این سخن علاقه‌ی مخاطبین خود را به اسلام تشدید می‌کرد و برمی‌انگیخت.

به سخنوران نامی ایران هم‌چون پاکزاد توس، مولانا جلال‌الدین، حکیم عمر خیام نیز احترام خاص قائل بود و برای اثبات سخن خود از این بزرگان تایید می‌گرفت. و با احترام از آنان یاد می‌کرد. دکتر حکمت سخن خود را شجاعانه بیان می‌داشت و در این خصوص از خطرات داخلی و خارجی بیم به خود راه نمی‌داد.

از مشرق‌زمین به بزرگی یاد می‌کرد. کشور چین را قدرت بزرگ جهان در آینده‌ی نزدیک می‌خواند و مردم آن را دارای تمدنی برجسته باستانی و والا می‌دانست و راه ابریشم را نشانی می‌آورد.

دکتر حکمت در سال‌های آخر فعالیت علمی خود مغضوب رییس وقت دانشکده واقع شد. و رییس می‌خواست استاد را به دام خود گرفتار سازد، ولی استاد کسی نبود که تن به چنان خواسته‌یی دهد.

رییس وقت دانشکده با چاپ کتاب خود به نام **حقوق بین‌الملل عمومی** که توسط چاپخانه‌ی دانشگاه تهران به چاپ رسید ولی در شورای انتشارات تصویب نشده بود، استاد را به کم‌کاری و احیاناً بی‌صلاحیتی معرفی کرد و در این کار از دروغ و سرقت حقوقی خودداری نکرد.

رییس که فعالیت‌های استاد را زیر نظر داشت، هم‌زمان با انتشار بخشی از جزوه‌ی استاد در ۱۳ صفحه، او هم جزوه‌یی تدوین کرد به تعداد همان صفحات به انتشارات داد اما در صفحات بعدی، جزوه‌ی رییس و استاد را عوض کردند.

یعنی صفحه‌ی ۱۴ جزوه‌ی استاد حکمت در جزوه‌ی رییس دانشکده قرار دادند و صفحه‌ی ۱۴ رییس را به جای مطالب جزوه‌ی استاد!

غوغا برخاست و رییس دستور داد تمام جزوات استاد از دانشکده ریزریز و به دور ریخته شود. ؟ پس از آن منزل وی را به بهانه‌ی لزوم تعریض خیابان از او گرفتند. سر و کار استاد به دادگستری کشید و سرانجام ناگزیر به خروج از کشور شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دکتر حکمت به دعوت یکی از نهادهای حقوقی جمهوری اسلامی مشغول به کار شد و چند سال بعد دعوت حق را لبیک گفت و جان به جان آفرین سپرد.

ناگفته نماند جناب استاد به مناسبت و موقعیت مباحث درس می‌گفت در آینده‌یی نه چندان دور رشته‌هایی از علوم در انحصار ابرقدرت‌ها قرار خواهد گرفت، مانند: روانشناسی، علوم هسته‌یی و هم حقوق بین‌الملل. ما هم اکنون شاهد صدق گفتار و تحقق نظر آن روانشاد هستیم.

به باور راقم این سطور، دکتر حکمت زنده است و فراموش نخواهد شد:

زنده‌ی جاوید ماند هر که نکونام زیست

کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را
هنوز صدای آهنگین استاد دکتر حکمت در کلاس‌های دانشکده‌ها طنین‌انداز است. او با دانشجویانش سخن می‌گوید:
صدای سخن او صدای عشق است:

از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند
از استاد نوشته‌هایی باقی مانده که جزوه‌ی درسی از آن جمله است. محض تیمن و تبرک چند فصل آن را جهت زیب و زینت در کتاب مناسبی چاپ خواهیم کرد؛ آری:

چون که گل رفت و گلستان شد خراب

بوی گل را چه جویمیم از گلاب